



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

تجلیل اول می ، یا دسیسه علیه کارگران افغان

۸ می ۲۰۱۵

جمهوری آخوندی ایران با سیاست خارجی نادرست اش از یکسو با تعزیرات اقتصادی ملل متحد مواجه شده است و از سوی دیگر با صدور انقلاب که لازمه آن تمویل و تجهیز گروه های اجیر و بنیادگرا و بناً مصرف مقدار زیاد اسعار خارجی میباشد، عرصه فعالیت های اقتصادی را برای متشبثین خصوصی و زمینه کاریابی را برای کارگران ایران محدود ساخته است. بر اساس گزارش مندرج در شماره ۱۵ ثور ۱۳۹۴ روزنامه ایرانی شرق، در ایران ۳۰٪ شهرنشینان و ۴۰٪ روستا نشینان زیر خط فقر زندگی میکنند. با این وصف دولت ایران به بهبود زندگی مردم خویش توجه ای نکرده و پیوسته قراردادهای اعطای اعتبار یک میلیارد دلاری را با دولت سوریه به امضا میرساند. طبیعتاً کارگران ایران را این حالت نا راضی ساخته است. با وصف آنکه اعتصابات کارگری از طرف رژیم آخوندی بشدت سرکوب میشوند، کارگران وقتاً فوقتاً برای احقاق حقوق خود دست به اعتصابات میزنند. اول ماه می روز همبستگی بین المللی کارگران جهان و تجلیل از آن زمینه ایست برای ایجاد اتحاد سراسری میان کارگران و طرح خواستهای صنفی عمومی آنها. به همین جهت کارگران ایران طی هشت سال گذشته یعنی تا ختم دوران احمدی نژاد، از آزادی تجلیل این روز محروم شده بودند. ضمناً گماشتگان مخفی دولتی طی تبلیغاتیکه در محافل کارگری براه می اندازند، گناه کساد بازارکار و همه نارسایی ها در تأمین حقوق کارگران ایرانی را بدوش کارگران افغان درین کشور می اندازند تا اذهان را از علل اصلی خرابی وضع اقتصاد ایران و بحران کاریابی انحراف دهند. گاهی هم دولتمردان علناً نا مردانه به تبلیغ این ادعا میپردازند. بطورمثال بتاريخ ۶ سرطان سال ۲۰۱۲ محمد رضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد گفت: "قدرتهای بزرگ، سه میلیون مهمان افغان را برما تحمیل کرده اند. اگر در کشور ما این تعداد افغان نباشند، آمار بیکاری به صفر میرسد".

امسال دوباره به کارگران ایران اجازه داده شد تا روز همبستگی جهانی کارگران را تجلیل کنند. راهپیمایی روز جهانی کارگر به روز جمعه اول می با مشارکت جمع کثیری از کارگران واحدهای مختلف در تهران برگزار شد. پیش از راهپیمایی، کارگران بخشهای مختلف اقتصادی در مقابل "خانه کارگر"، دفتر یک اتحادیه بزرگ نیمه دولتی در خیابان ابوریحان تجمع کرده و سپس در صفوف منظم بطرف خیابان انقلاب و میدان فلسطین براه افتادند. در میان شعار های که کارگران حمل میکردند یک شعار نژادپرستانه و ضد افغانی نیز دیده میشد: "کارفرما حیا کن - افغانی را رها کن". علاوه بر زمره خواستهای مندرج قطعنامه گردهمایی یکی هم استخدام کارگران ایرانی بعوض کارگران خارجی (باز هم منظور از افغانهاست) بود.



-امتناع از امداد حقوقی رایگان به افغانهای که مظنون به ارتکاب جرم میشوند. مظنونین بیدفاع افغان بعوض مجرمین پولدار ایرانی اعدام میشوند .

ب: تبعیض غیر رسمی:

-دولت ایران برای توسعه طلبی واهداف استراتژیک خود به سوریه و عراق ملیشیا میفرستد. اخیراً اخبار مؤثق از کشته شدن و اسیر شدن افغانها در جنگهای سوریه به نشر رسیده است. افغانهای اسیر در برابر کمره تلویزیون اظهار نموده اند که از افغانستان به ایران پناه برده اند ودولت ایران ایشانرا تحت نام دفاع ازحرم بی بی زینب، با پرداخت ۷۰۰ دالر استخدام و برای دفاع از رژیم حافظ الاسد به سوریه فرستاده است. سوال اینجاست که چرا ایران اتباع خود را به سوریه نمیفرستد؟ خریدن خون یک افغان به ۷۰۰ دالروفرستادن او به نام مذهب بیک جنگی که وی هیچ رابطه به آن ندارد درتعارض با انسانیت است .

-عدم رسیدگی به قضایای جرمی که قربانی آن یک مهاجر افغان باشد. بطورمثال در اپریل ۲۰۱۵ مادری با دو طفلش در اصفهان کشته شد. اجساد آنها به هرات انتقال داده شد ولی هیچ نوع تعقیب جزایی صورت نگرفت. قضیه دختری که در سال ۲۰۱۲ در شهر یزدبعد از تجاوزجنسی قتل رسیده بودنیز دنبال نشد. قاتلین وشکنجه گران پناهجویانی که درساحات مرزی از طرف قوای سرحدی ایران قتل میرسند یا مورد شکنجه قرار میگیرند از معافیت برخوردارند. کارمندان اردوگاه های که برای دبیورت افغانها ساخته شده اند، با استفاده از همین معافیت به ابداع بدترین انواع شکنجه میپردازند واز توهین وتحقیرپناهجویان افغان لذت میبرند. معلم سادیستی که چهار متعلم افغان را مجبور به دست زدن به داخل کاسه کمود وبعد مکیدن همان انگشتان خویش نموده بود، بدون تعقیب عدلی یاجزای دسپلینی به معلمی خود ادامه داد. اینست اخلاق وعدالت آخوندی.

-تحقیر، آزار، توهین وغصب پول واسناد اقامت توسط نیروهای امنیتی، منجمله سپاه پاسداران ایران وانواع تبعیض توسط بخشی از مردم عادی ایران با پناهندگان وپناهجویان افغان در ایران .

نا گفته نباید گذاشت که در ایران انسانهای شریفی هم وجود دارند که از اعمال فوق الذکردولت ایران وبخشی از مردم ایران در برابر مهاجرین افغان بشدت رنج میبرند و در صفحات انترنتی وفیسبوک از مظالم مذکور فاصله میگیرند. مثلاً عده ای از کارگران شریف ایرانی بلند کردن شعار "کارفرما حیا کن- افغانی را رها کن" را امر شرم آور دانسته ودر نوشته های خویش در فیسبوک بدین نظراند که کارگر ایرانی باید بداند که : "راه حل این مشکل (ارزان بودن مزد افغانها)، چیزی بجز افزایش امنیت شغلی، خدمات درصحنی و رفاهی، و حمایت سندیکاهای کارگری از کارگران افغان نیست، رامحلی که باعث میشود میزان حقوق کارگران «نه بر اساس نژاد»، بلکه بر اساس تخصص و توانایی آنها تعیین شود. راه حلی که سطح رفاه کارگر افغان را بالا میبرد، فضا را رقابتی می کند، و با ایجاد میدان رقابت عادلانه، هیچ شکلی از نژادپرستی را برنمی تابد".

باتوجه به آنچه ذکر شد، واضحست که افغانهای مقیم ایران مشکلات بزرگی دارند ونیازمند حمایه دولت وپشتیبانی معنوی جامعه مدنی افغانستان میباشند. لازمست وزارت های خارجه وامور مهاجرین، سفارت افغانستان در تهران را از آدمهای سست عنصر، خودفروش وجاسوس (رجوع شود به شماره مؤرخ ۲۴ جدی ۱۳۹۲ روزنامه ۸ صبح) پاک نموده افراد پاک، مصمم وکارکشته را به سفارت مذکور بکارگمارند.

"کمیتة حقوق بشر فارو"